

Identifying the Factors Influencing the Interaction Between the Functions of Higher Education and Local Communities from the Perspective of Higher Education Spatial Planning in Kerman Province

1. Kamran Ghorban Nejad Astalki : PhD Student, Department of Public Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2. Zahra Vazifeh *: Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

3. Amin Reza Kamalian : Professor, Department of Public Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

4. Abdolali Koshtagar : Associate Professor, Department of Public Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

5. Mohammad Ghasemi : Associate Professor, Department of Public Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

*Corresponding Author's Email Address: vazife@mgmt.usb.ac.ir

Abstract:

The aim of the present study was to identify the factors influencing the interaction between the functions of higher education and local communities from the perspective of higher education spatial planning in Kerman Province. The research method was applied and library-based. Data collection tools included document analysis and interviews. For data analysis, meta-synthesis and thematic analysis methods were used. The statistical population for the meta-synthesis section included valid national databases such as MAGIRAN, Irandoc, CIVILICA, SID, and Normags, as well as international databases such as ScienceDirect, Taylor & Francis, Springer, ProQuest, and DOAJ. The search covered the period from 2000 to 2024, resulting in the identification of 322 initial articles. The statistical population of the study consisted of experts and academic specialists with experience in the relationship between the university and society, industry, and the environment. Using the theoretical saturation method, a sample size of 25 participants was determined. The results revealed that the findings were presented in six categories. In this section, based on the initial model of the study, the axial codes were classified into eight main categories. According to expert opinion, communication and participatory codes were merged. Ultimately, the codes identified were: 7 research-related codes, 8 social codes, 7 participatory codes, 11 human codes, 4 environmental codes, 4 ethical codes, 5 outcome codes, and 6 codes for the functions of higher education in the community.

Keywords: higher education, local communities, spatial planning, higher education spatial planning.

How to Cite: Ghorban Nejad Astalki, K., Vazifeh, Z., Kamalian, A. R., Koshtagar, A., & Ghasemi, M. (2025). Identifying the Factors Influencing the Interaction Between the Functions of Higher Education and Local Communities from the Perspective of Higher Education Spatial Planning in Kerman Province. *Management, Education and Development in Digital Age*, 2(3), 1-20.



شناسایی عوامل موثر بر تعامل کارکرد آموزش عالی و جامعه محلی از منظر آمایش آموزش عالی در استان کرمان

۱. کامران قربان نژاد اسطلکی ^{id}: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. زهرا وظیفه ^{id}: استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. امین رضا کمالیان ^{id}: استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۴. عبدالعلی کشته گر ^{id}: دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۵. محمد قاسمی ^{id}: دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: vazife@mgmt.usb.ac.ir

چکیده

هدف تحقیق حاضر شناسایی عوامل موثر بر تعامل کارکرد آموزش عالی و جامعه محلی از منظر آمایش آموزش عالی در استان کرمان بود. روش تحقیق از نوع کاربردی و کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری داده‌ها اسنادی و مصاحبه بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش فراترکیب و تحلیل مضمون استفاده شد. جامعه آماری بخش فراترکیب بانک‌های اطلاعاتی معتبر داخلی نظیر *Magiran*، *IranDoc*، *Civilica*، *Normags*، *SID* و خارجی نظیر *ScienceDirect*، *Taylor & Francis*، *Springer*، *ProQuest*، *DOAJ* بود که اقدام به جستجو در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ شد که تعداد ۳۲۲ مقاله اولیه شناسایی گردید. جامعه آماری تحقیق خبرگان و صاحب نظران دانشگاهی با سابقه در خصوص ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت و محیط بودند که با روش اشباع نظری ۲۵ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. نتایج نشان داد که در شش دسته ارایه شدند در این بخش نیز با توجه به مدل اولیه تحقیق کدهای محوری شناسایی شده در ۸ دسته اصلی طبقه بندی شدند که با توجه به نظر خبرگان کدهای ارتباطی و مشارکتی با یکدیگر ادغام شدند که برای مولفه پژوهشی ۷ کد، اجتماعی ۸ کد، مشارکتی ۷ کد، انسانی ۱۱ کد، زیست محیطی ۴ کد، اخلاقی ۴ کد و پیامدها ۵ کد و کارکرد آموزش عالی در جامعه ۶ کد شناسایی شدند.

کلیدواژه‌گان: آموزش عالی، جوامع محلی، آمایش سرزمین، آمایش آموزش عالی

نحوه استناددهی: قربان نژاد اسطلکی، کامران، وظیفه، زهرا، کمالیان، امین رضا، کشته گر، عبدالعلی، و قاسمی، محمد. (۱۴۰۴). شناسایی عوامل موثر بر تعامل کارکرد آموزش عالی و جامعه محلی از منظر آمایش آموزش عالی در استان کرمان، *مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال*، ۲(۳)، ۱-۲۰.



مقدمه

در دهه‌های اخیر، آموزش عالی به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در فرایند توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع شناخته شده و پیوند آن با جامعه محلی به عنوان عاملی مؤثر در ارتقاء سرمایه اجتماعی، نوآوری و توانمندسازی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، آمایش آموزش عالی، به عنوان راهبردی نوین، چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل و توزیع بهینه فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی در پهنه سرزمینی کشورها محسوب می‌شود (Vasilescu et al., 2010).

تحقیقات نشان داده‌اند که نهاد دانشگاه در صورتی می‌تواند در فرایند توسعه اثربخش باشد که با نیازهای واقعی و ظرفیت‌های بومی منطقه در تعامل باشد (Muhammad Ali et al., 2020). دانشگاه‌ها دیگر تنها مراکز آموزش و تولید دانش نیستند بلکه بازیگرانی مؤثر در ساختارهای توسعه‌ای محسوب می‌شوند که باید توانایی پاسخگویی به نیازهای جوامع محلی را داشته باشند (Wood, 2024). در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، آموزش عالی گسترش کمی قابل توجهی داشته، اما این گسترش عمدتاً بدون ملاحظات منطقه‌ای و آمایشی صورت گرفته و باعث بروز ناهماهنگی‌هایی در سطح محلی شده است (Shahsavari & Alamolhoda, 2025).

در چنین شرایطی، آمایش آموزش عالی به عنوان یک مدل راهبردی، امکان انطباق فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با نیازهای منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. این انطباق نه تنها به توزیع عادلانه منابع کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌طور مستقیم به کاهش بیکاری فارغ‌التحصیلان و ارتقای کیفیت خدمات آموزشی بینجامد (Alizadeh Fallah et al., 2023). در همین راستا، مطالعات انجام‌شده در زمینه توسعه تعامل میان دانشگاه و جامعه محلی، ضرورت بهره‌گیری از نگاهی جامع به مؤلفه‌های انسانی، زیست‌محیطی، اخلاقی، اجتماعی، مشارکتی و پژوهشی را مورد تأکید قرار داده‌اند (Mobad & Nadi Zadeh Ardakani, 2022; Zamandi et al., 2022).

بر اساس گزارش‌های جهانی و منطقه‌ای، نقش آموزش عالی در تحقق اهداف توسعه پایدار (SDGs) به‌ویژه در زمینه‌هایی چون توسعه انسانی، توانمندسازی زنان، عدالت آموزشی و مشارکت اجتماعی به‌صورت چشمگیری افزایش یافته است (Caputo et al., 2021). این بدان معناست که آموزش عالی باید از انزوای دانشگاهی خارج شده و در تعامل فعال با جامعه و صنعت ایفای نقش کند (Ferrerias-Garcia et al., 2021). با این حال، شواهد حاکی از وجود چالش‌های مفهومی و ساختاری در مسیر نهادینه‌سازی این تعاملات در ایران است که برخی از آن‌ها شامل نبود نهادهای میانجی مؤثر، ضعف در سیاست‌گذاری منطقه‌ای، تمرکزگرایی و بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی مناطق می‌باشند (Mahmoudi & Gol Mohammadi, 2022; Mahmoudian et al., 2022).

همچنین یکی از عواملی که تعامل دانشگاه و جامعه را با چالش مواجه می‌کند، نبود رویکردی چندبعدی در تدوین مأموریت‌های دانشگاهی است. به عبارت دیگر، زمانی که مأموریت دانشگاه به شکلی تقلیل‌گرایانه تنها به آموزش و پژوهش محدود شود، فرصت‌ها برای تعاملات محلی و ایفای نقش در توسعه منطقه‌ای از بین می‌روند (Shahsavari & Alamolhoda, 2025). در مطالعه‌ای که در دانشگاه‌های اروپایی انجام شده است، مشخص شد کیفیت تعاملات دانشگاهی در ارتباط مستقیم با سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و استراتژی‌های بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌هاست (Adriansen et al., 2025).

از منظر نظری، تعامل دانشگاه و جامعه محلی را می‌توان در قالب مسئولیت اجتماعی دانشگاه (USR) تحلیل کرد. این مفهوم که به‌مرور جای خود را در اسناد بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی باز کرده، شامل تعهد دانشگاه به پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه میزبان خود است (Amadi & Bayo, 2020; Cantor, 2020). رویکرد USR زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که تعامل دانشگاه و جامعه از حالت یک‌سویه خارج شده و به مشارکتی دوسویه و مبتنی بر اعتماد بدل شود (Haalan & ramli, 2020). همچنین باید توجه داشت که موفقیت این تعامل در گرو ایجاد سازوکارهای نهادی برای تثبیت همکاری دانشگاه‌ها با بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی است (Pouya & Bagheri, 2023).

مطالعات متعددی نیز نشان داده‌اند که عواملی همچون نوع ساختار حکمرانی دانشگاه، حضور نهادهای واسطه، میزان مشارکت اعضای هیأت علمی، کیفیت آموزش و میزان هم‌راستایی برنامه‌های درسی با نیاز بازار کار، از عوامل کلیدی در موفقیت این تعاملات هستند (Kowsari, 2023; Pakzad Bonab et al., 2024). از سوی دیگر، در سطح

بین‌المللی نیز شواهدی وجود دارد که تأکید دارند تحقق تعامل موفق میان دانشگاه و جامعه در گرو استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، بسترهای نوآورانه و برنامه‌ریزی فضایی هوشمند است (Kang et al., 2019; Kirchnerberger & Pohl, 2016).

در سطح اجرایی نیز تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که نهادهای سازای این تعاملات نیازمند تدوین راهبردهای محلی و منطقه‌ای، شناسایی مزیت‌های رقابتی و ظرفیت‌های انسانی منطقه و همچنین بهره‌گیری از رویکردهای چندبعدی است (fatehrad, 2015; Radinger-Peer & Pflitsch, 2017). بر همین اساس، برخی پژوهشگران پیشنهاد می‌دهند که برای تحقق این اهداف باید مأموریت‌های دانشگاه بازتعریف شده و شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان تعامل دانشگاه با جامعه طراحی و عملیاتی شود (Pouranjanar et al., 2021; Salimi & Kabiri Nasab, 2022).

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، در بسیاری از مناطق ایران از جمله استان کرمان، تعامل میان دانشگاه و جامعه محلی به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب، تمرکز قدرت در مرکز، و فقدان سیاست‌های ناحیه‌ای اثربخش، همچنان با چالش مواجه است (Moradnezahadi, 2023; Mousavi et al., 2019). این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد استان‌هایی که در آن‌ها هم‌راستایی بیشتری میان برنامه‌ریزی فضایی و ظرفیت‌های دانشگاهی وجود دارد، توانسته‌اند در ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی موفق‌تر عمل کنند (Zulficar et al., 2019).

نکته دیگر آن‌که، در ایران نیز حرکت به سمت منطقه‌گرایی در آموزش عالی آغاز شده است، اما این حرکت نیازمند بسترسازی نهادی، ایجاد اراده سیاسی، بازطراحی فرایندهای بودجه‌بندی و شناخت دقیق از مؤلفه‌های بومی و منطقه‌ای است (Albert-Lőrincz et al., 2019; Baradaran Hagheer & Nourshahi, 2019). این امر زمانی تحقق می‌یابد که نگاه سیاست‌گذاران از مرکزگرایی به تمرکززدایی تغییر کرده و دانشگاه‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های محلی به رسمیت شناخته شوند (Zamandi et al., 2022).

در مجموع، روشن است که آمایش آموزش عالی در ایران، به‌ویژه در استان‌هایی با پراکندگی جمعیتی و فرهنگی بالا مانند کرمان، نیازمند شناسایی دقیق مؤلفه‌هایی است که تعامل میان دانشگاه و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنین شناسایی‌ای، نه تنها مبنای نظری محکمی برای طراحی سیاست‌های محلی فراهم می‌آورد، بلکه از منظر کاربردی نیز می‌تواند به ارتقاء عملکرد دانشگاه‌ها در ایفای نقش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کمک کند (Sogovara & Fitjar, 2023). در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی این عوامل، مبتنی بر روش‌شناسی فراترکیب و تحلیل مضمون، کوشیده است تا با بهره‌گیری از تجربیات نظری و میدانی، الگوی مفهومی مناسب برای ارتقاء تعامل دانشگاه و جامعه محلی در استان کرمان ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق یک تحقیق کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها کیفی می‌باشد. در ابتدا مفاهیم مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه در قالب پایداری و همچنین مبحث آمایش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پایان نامه‌ها و نشریات و ... تبیین شد. سپس با مطالعه و بررسی تحقیقات مرتبط گذشته و روش فراترکیب، ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتباط دانشگاه و جامعه مبتنی بر سند آمایش آموزش عالی استخراج خواهند شد. جامعه آماری تحقیق خبرگان و صاحب نظران دانشگاهی با سابقه در خصوص ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت و محیط هستند که با روش اشباع نظری ۲۵ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. برای تأیید دقت علمی پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع مورد ارجاع استفاده میشود. جهت جمع‌آوری فاکتورهای موثر از روش فراترکیب استفاده شده است. براساس تعریف نوبلیت و هیر (۱۹۸۸: ۵۵) فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر مرتبط با موضوع و مشابه آن را بررسی می‌کند. سپس با نگرشی سیستماتیک به ترکیب یافته‌های کیفی پژوهش‌های دیگر، به کشف مقوله‌های جدید و اساسی منجر می‌شود. روش‌های متعددی برای انجام فراترکیب پیشنهاد شده است که الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو بیشترین کاربرد را دارد.



گام نخست: تنظیم سوال‌های پژوهش

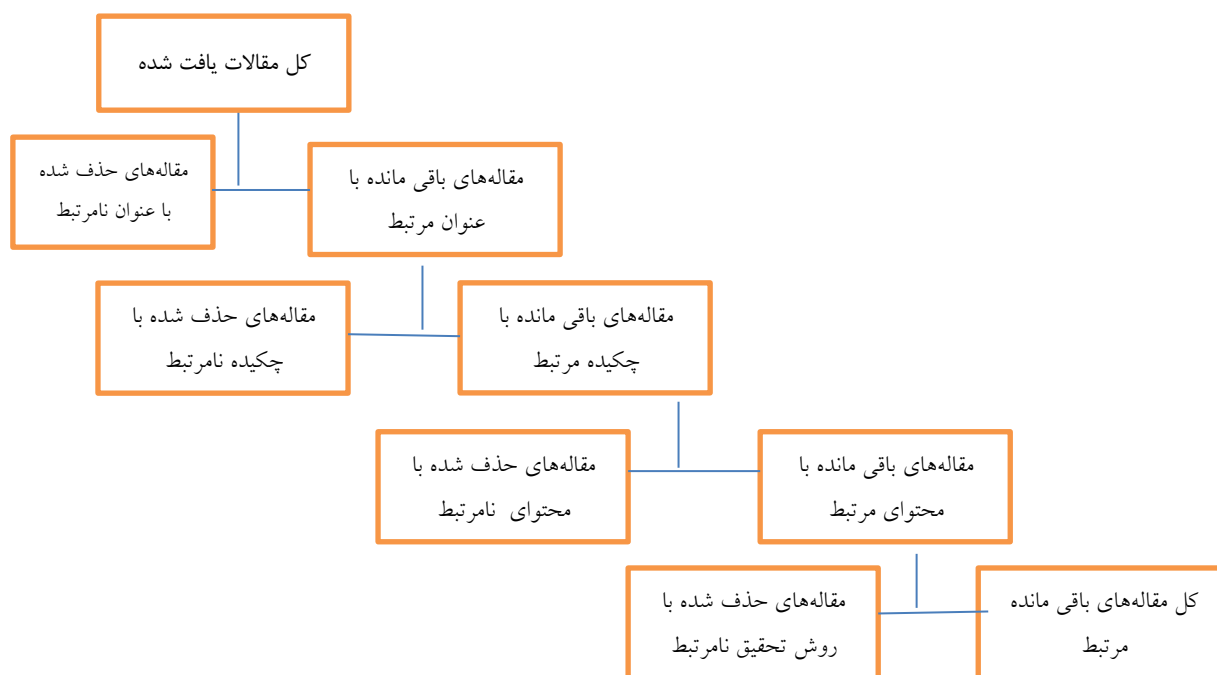
نخستین گام فراترکیب تنظیم پرسش‌های پژوهش است. نخستین سوال برای شروع فراترکیب چه چیزی است. همچنین می‌توان سؤالاتی را با مضمون چه؟ چه وقت؟ و چگونه مطرح کرد: شاخص‌های اصلی مقوله مورد مطالعه کدامند؟ شاخص‌های مقوله مورد مطالعه شامل چه مواردی است؟ شاخص‌های مقوله مورد مطالعه چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

گام دو: بررسی نظام‌مند متون

در این مرحله پژوهشگر به جستجوی سیستماتیک مقالات منتشر شده در مقاله‌های معتبر خارجی و داخلی با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مناسب می‌پردازد. ابتدا کلمات کلیدی مرتبط گزینش می‌شود. این واژگان در جدولی لیست می‌شود.

گام سه: جستجو و بررسی مقاله‌های مرتبط

پس از شناسایی واژگان کلیدی تحقیق، مجموعه مقاله‌های حاوی واژگان کلیدی شناسایی می‌شود. این مقالات براساس مواردی چون عنوان، چکیده، محتوا و روش تحقیق مانند نمودار زیر غربال می‌شوند و مقاله‌های نهایی استخراج می‌شوند.



شکل ۱. مراحل جستجو و بررسی مقاله‌های مرتبط

گام چهار: استخراج اطلاعات مقالات

در این مرحله محتوای مقالات به دقت مطالعه شده و شاخص‌های اساسی استخراج می‌شود.

گام پنج: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

مهمترین بخش یک تحقیق کیفی به روش فراترکیب این مرحله است که یافته‌های پژوهش از مطالعات ارایه می‌شود.

گام شش: پایایی و اعتبار مدل (کنترل کیفیت)

در پژوهش کیفی منظور از اعتبار، مفاهیمی شامل دفاع‌پذیری، باورپذیری، تصدیق‌پذیری و حتی بازتاب‌پذیری نتایج تحقق است. یکی از شاخص‌های پایایی تحقیق کیفی، ارزیابی دو یا چند سند از حیث ارجاع به شاخصی خاص است. با استفاده از نرم‌افزار Maxqda و محاسبه شاخص کاپا می‌توان پایایی را ارزیابی کرد.

گام هفت: استخراج اطلاعات مقالات

در این مرحله از فراترکیب یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شود.

در این تحقیق، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید و استیرلینگ (۲۰۰۱)، فرایند گام به گام تحلیل گام و جامعی جهت تحلیل مضمون، عرضه می‌شود. فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود.

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها

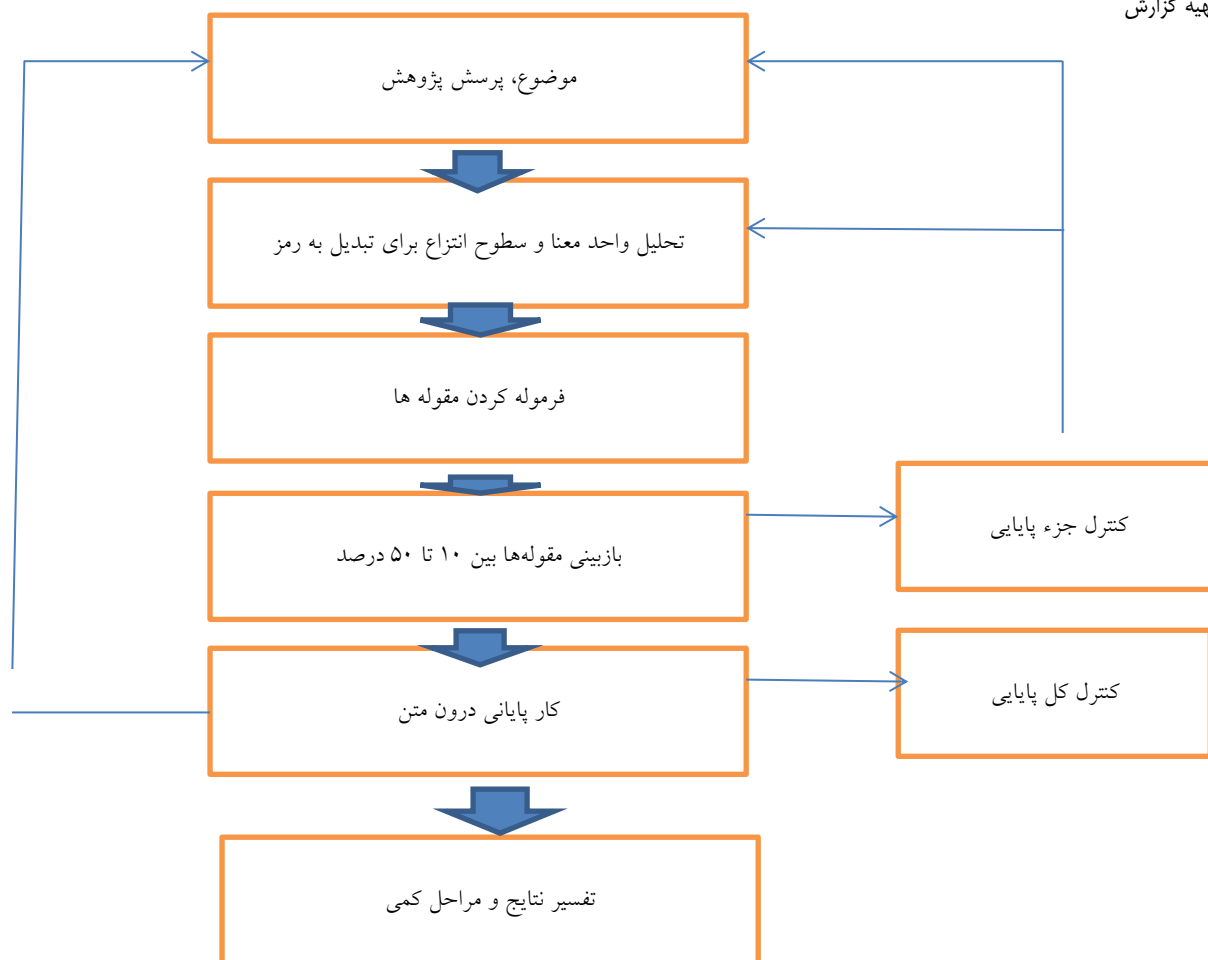
مرحله دوم: ایجاد کدهای اولیه و کد گذاری

مرحله سوم: جستجوی کدهای گزینشی (مضامین پایه).

مرحله چهارم: شکل‌گیری مضامین سازنده

مرحله پنجم: تعریف و نامگذاری تم‌های اصلی

مرحله ششم: تهیه گزارش



شکل ۲. مراحل تحلیل تم

یافته‌ها

همانطور که گفته شد جهت بدست آوردن ابعاد مدل از رویکرد تحلیل مضمون و فرا ترکیب استفاده شد.

۱-روش فراترکیب

مرحله اول: در این مرحله به تدوین سؤال اصلی پژوهش پژوهش پرداخته شده است که عبارت است از اینکه عوامل موثر بر تعامل کارکرد آموزش عالی و جامعه محلی از

منظر آمایش آموزش عالی کدامند؟

مرحله دوم: ابتدا با کلید واژه‌های آموزش عالی، جوامعه محلی آمایش آموزش عالی در بانک‌های اطلاعاتی معتبر داخلی نظیر SID، CIVILICA، Irandoc، MAGIRAN، Normags و خارجی نظیر Science Direct، Taylor & Francis، ProQuest، Springer، DOAJ اقدام به جستجو در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ شد که تعداد ۳۲۲ مقاله اولیه شناسایی گردید.

مرحله سوم: در این مرحله با اعمال معیارهای ورود نظیر کنفرانسی نبودن مقالات، نامه به سردبیر نبودن، دسترس بودن تمام متن، تکراری نبودن، داشتن نوآوری، مرتبط با اهداف تحقیق بودن تعدادی بسیاری از مقالات کنار گذاشته شدند که تعداد آن‌ها ۲۴۵ مقاله بود و ۷۷ مقاله جهت مطالعه باقی ماندند.

مرحله چهارم: در این مرحله مقالات باقی مانده جهت مطالعه وارد پژوهش شدند که با توجه به چارچوب نظری تحقیق متون مرتبط با هر یک شناسایی شدند، و سپس از بطن این متون مولفه‌های مرتبط با هر بعد اصلی استخراج گردید که‌ای تعداد شامل ۹۷ کد اولیه بود.

مرحله پنجم: در این مرحله به بررسی روایی و پایایی پرداخته شده است که با مقایسه یافته‌ها در اسناد در پژوهش‌های مختلف و دریافت نظرات صاحب نظران روایی و پایایی شاخص‌ها بررسی و مورد تایید قرار گرفت و مشخص شد که یافته‌ها از روایی و پایایی بالایی برخوردار هستند.

مرحله ششم: مرحله بعدی با حذف مولفه‌های تکراری و دارای همپوشانی و مترادف باهم، مولفه‌های نهایی استخراج شد. که در نهایت ۲۹ کد غیرتکراری و جدید شناسایی شد.

مرحله هفتم: در این مرحله از فراترکیب یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه شد.

۲-روش تحلیل مضمون:

در روش تحلیل مضمون که طی مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان و ادبیات تحقیق مقوله‌ها، زیر مقوله‌های هر یک شناسایی شدند. در این خصوص می‌توان بیان داشت که با توجه به جدول فوق هر یک از مفاهیم باز ابتدا تدوین و در نهایت با توجه به مفهوم اصلی عبارت، کد محوری شناسایی شده که همان زیر مقوله هر طبقه از مقولات تعیین شده هستند و در مقوله مربوط خود قرار گرفتند که می‌توانند بر مدل موثر واقع گردند. در جدول ۳ نمونه از مصاحبه‌ها ارائه شده است. این بخش توسط نرم افزار مکس کیودا انجام شده است که ابتدا متون مهم مصاحبه‌ها شناسایی شده و تحت عنوان مفاهیم در نرم افزار وارد شده است و همانطور که مشخص می‌باشد در ردیف کد مصاحبه شونده کد مخصوص هر مصاحبه شونده با حرف E مشخص است و بخشی از مصاحبه نیز که مرتبط با هر مصاحبه شونده است آورده شده است که دلیل آن وجود حجم بالای مصاحبه‌ها و محاسبات آن است که بخشی از آن ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌ای از متون مصاحبه

کد مصاحبه شونده	متن مصاحبه
E۱	در سال‌های گذشته آموزش عالی یک رشد بی‌رویه‌ای رو نه تنها در استان ما در همه استان‌ها داشته و این رشد بی‌رویه قاعدتا باعث شده که مشکلاتی را مخصوصا تو بحث فارغ التحصیلان بدون جایگاه شغلی و کاری به وجود بیاره و خب ناراضی‌هایی هم در سطح جامعه و مخصوصا در سطح جوانان به وجود آورده که در سال‌های اخیر با طرح آمایش مقدار این برنامه رشته‌ها داره ساماندهی میشه
E۲	استفاده از ظرفیت‌ها و حفظ محیط زیست با نیروهای بومی تحصیل کرده بهتر انجام میشه اگر دولت پذیرش در رشته‌ها را اجباری نکند و با توجه به نیازها بورسیه انجام بشه عزم و اراده لازم برای ارتباط بین موسسات آموزشی و پژوهشی در استان وجود نداشته و عموما پروژه‌ها برای رفع نیاز افراد مثلا دانشجوی تحصیلات تکمیلی برای دفاع و یا عضو هیئت علمی برای ارتقا بوده و نه برای ارتباط با جامعه
E۳	در ایجاد برخی موسسات اصلا دیدگاهی برای ارتباط با صنعت و جامعه نبوده و دیده نشده است اصلا بحث تاثیر گذاری در اجتماع برای آن‌ها دیده نشده و یا اصلا متخصصین متناسب با ارتباط با جامعه نبوده مبتنی بر ظرفیت‌ها و تانسیل‌ها نبوده نیاز محوری دیده نشده (استثناا مجتمع زرد مرتبط با معدن هست) از آن طرف، با توجه به تعدد رشته‌های مهارتی و آسان شدن ورود به دانشگاهها و تعدد موسسات علمی کاربردی، آن اعتماد لازم صنعت به دانشگاه‌های مادر وجود ندارد که فارغ التحصیل می‌تواند مشکل صنعت را حل کند رابطه دانشگاه با دولت، صنعت و جامعه ی مدنی بیش از آن که با سازوکارهای دانشگاه پیوندی و دانشگاه فرهنگی سازگار باشد؛ نشان دهنده ابعاد آسیب شناسانه‌ای می‌باشد که در آن حتی کارکردها و الگوهای سنتی دانشگاه نیز به چالش کشیده می‌شود موانع ارتباط دانشگاه و صنعت در این پژوهش، تفاوت‌های زیرساختی و سیاستی، بی اعتمادی و عدم شفافیت، کمبود سرمایه گذاری پژوهشی و نوآورانه در صنعت، ریسک گریزی مدیران عملیاتی، کمبود عدالت در روابط دانشگاه و صنعت، بی نیازی و بی اطلاعی افراطی دانشگاه و صنعت از یکدیگر و فقدان آینده نگری، برنامه ریزی و آینده پژوهی بیان شدند. فاکتورهای پایداری دلایل و انگیزش و منافع در بخش دانشگاه مثبت و معنی دار بوده ولی نمایندگان صنایع پایداری منافع را پایین تر از حد مطلوب دانستند. وضع موجود ظرفیت‌های تعامل دانشگاه و صنعت مثبت و معنی دار بیان شد. همچنین تمامی مولفه‌های ظرفیت‌های ارتباط دانشگاه و صنعت بر پایداری اثر مثبت و معنی داری داشته و همه مولفه‌های ظرفیت‌ها هر دو مولفه دلایل و انگیزش و منافع را پیش بینی نموده اند

بعد از شناسایی متون مهم حاصل از مصاحبه و ادبیات تحقیق اقدام به شناسایی محوری گردید که نتایج به شرح جدول می‌باشند. در این بخش کلیه متون شناسایی شده در جدول قبلی که به برخی از آن‌ها اشاره شده است به کدخوشه‌هایی تبدیل شده‌اند که مفهوم محوری هر متن را نشان میدهد و کدهای اشاره توسط هر خبره تحت عنوان کدهای محوری است و کدهای مصاحبه شونده کنار کدهای ارایه شده توسط آن‌ها مشخص گردیده است که ۵۱ کد محوری شناسایی شدند.

جدول ۲. کدهای محوری

کد مصاحبه شونده	کدهای محوری
E۱, E۵, E۷, E۹	ملاحظات دولت
	قوانین و مقررات آموزش عالی
	پیوند دانشگاه و صنعت
	توسعه صنایع پیش نیاز
	ترویج دانش
	تربیت نیروی انسانی متخصص
E۲, E۴, E۹, E۱۸	کیفیت و کمیت پژوهشی
	رشد شرایط رقابتی
	توسعه دانشگاهی
	جذب استعداد ها

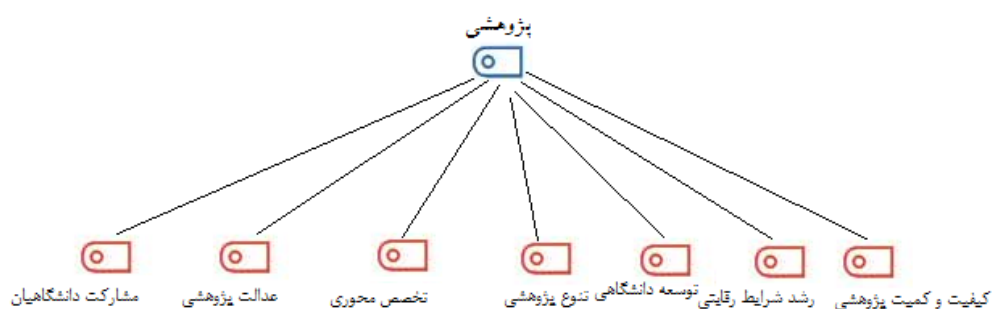
¹ Kang

جدول ۳. یافته‌های کیفی

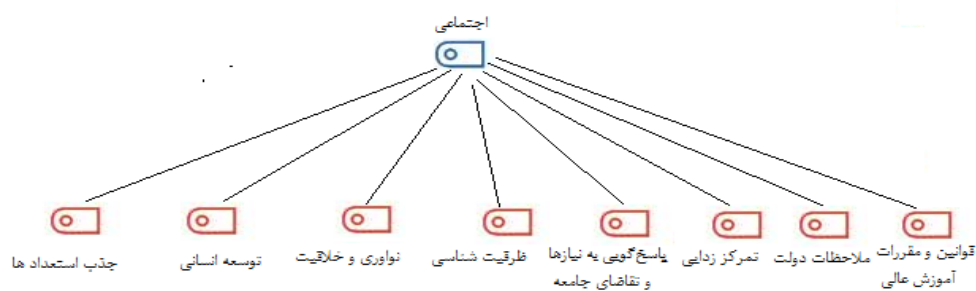
عوامل	پژوهشی	اجتماعی	مشارکتی	انسانی	زیست محیطی	اخلاقی	پیامدها	کارکرد آموزش عالی در جامعه
زیر مولفه ها	مشارکت دانشگاهیان عدالت پژوهشی تخصص محوری تنوع پژوهشی کیفیت و کمیت پژوهشی رشد شرایط رقابتی توسعه دانشگاهی جذب استعداد ها توسعه انسانی نوآوری و خلاقیت ظرفیت شناسی پاسخ گویی به نیازها و تقاضای جامعه تمرکز زدایی ملاحظات دولت قوانین و مقررات آموزش عالی پیوند دانشگاه و صنعت توسعه صنایع پیش نیاز سرمایه گذاری برنامه ریزی توسعه مشارکتی تقویت و کارامدی هیأت امنای دانشگاه ها اصلاح کارکردهای دانشگاهی مدیریت و برنامه ریزی فضاهای دانشگاهی اخلاق حرفه ای تفویض اختیار اطلاعات مشاغل صلاحیت ها حرفه ای منابع انسانی اشتغال اطلاعات بازار کار همکاری انسان محوری							

آگاهی دهی
مسئولیت‌های اجتماعی
توسعه پایدار
آموزش‌های زیست
محیطی
بکارگیری فناوری
آگاهی زیست محیطی
مالکیت فکری و معنوی
هنجارهای اخلاقی
آموزش اصول اخلاقی
توجه به ارزش‌ها
عدالت محوری
ایجاد فرصت‌های برابر
ارتقای بهره‌وری
توزیع عادلانه منابع
ترویج دانش
تربیت نیروی انسانی
متخصص
پاسخگویی به نیازهای
صنعت
ارتقاء اجتماعی
کاربردی کردن دانش
انطباق رشته‌های
تحصیلی با بازار کار

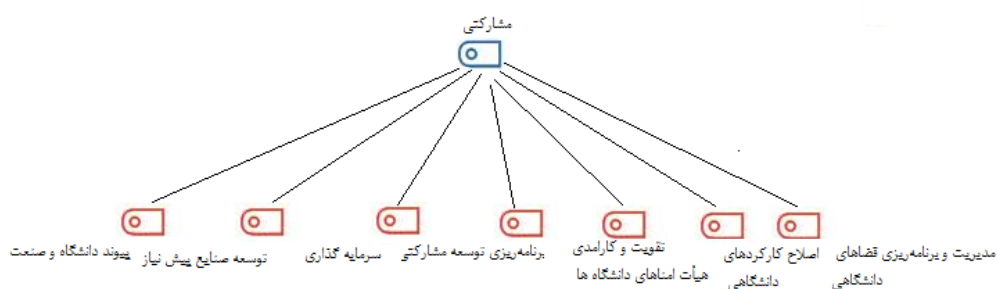
یافته‌های تحقیق به شرح شکل‌های ۳ تا ۱۰ است.



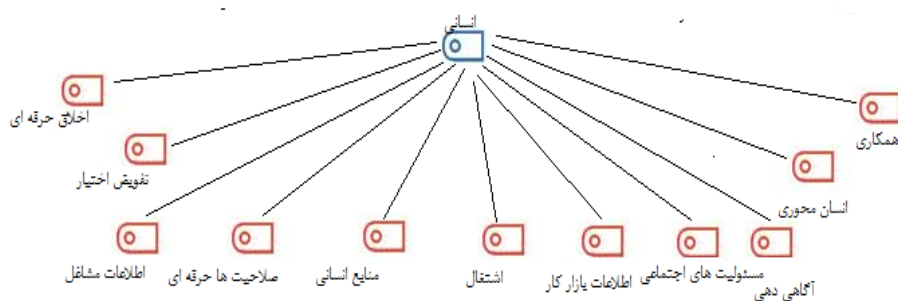
شکل ۳. یافته‌های تحلیل مضمون عامل پژوهشی



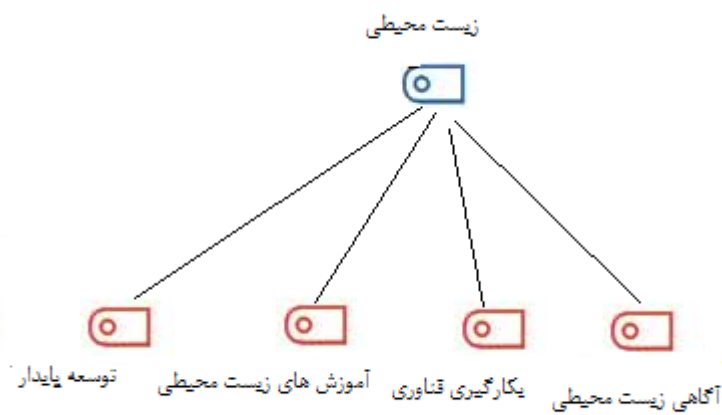
شکل ۴. یافته‌های تحلیل مضمون عامل اجتماعی



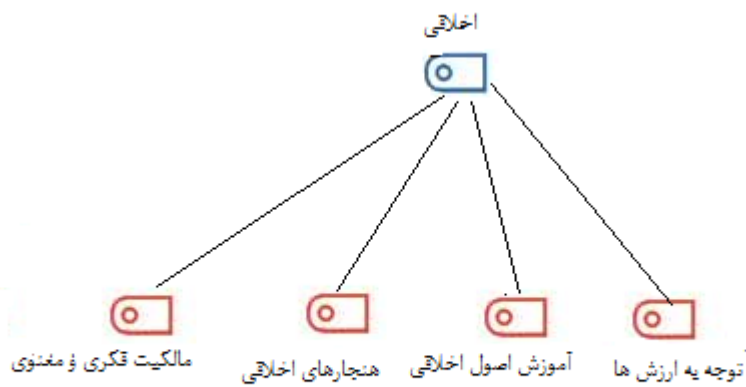
شکل ۵. یافته‌های تحلیل مضمون عامل مشارکتی



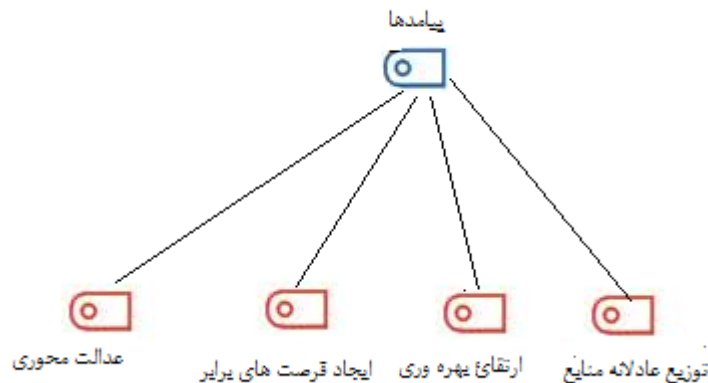
شکل ۶. یافته‌های تحلیل مضمون عامل انسانی



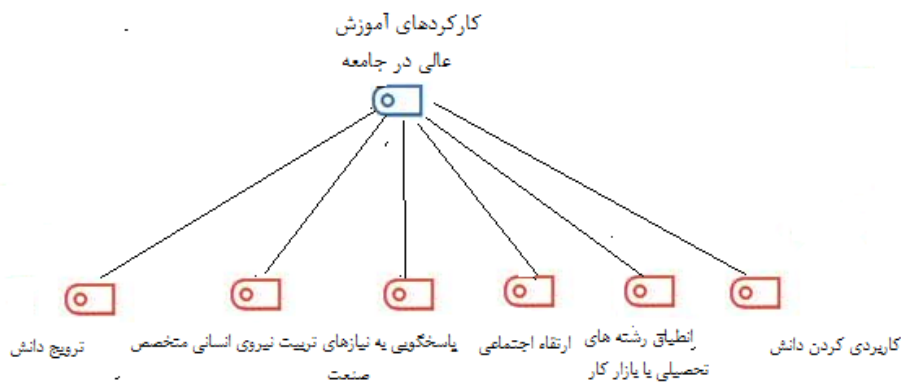
شکل ۷. یافته‌های تحلیل مضمون عامل زیست محیطی



شکل ۷. یافته‌های تحلیل مضمون عامل اخلاقی



شکل ۹. یافته‌های تحلیل مضمون عامل پیامدها



شکل ۱۰. یافته‌های تحلیل مضمون عامل کارکردآموزی عالی در جامعه

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان بیان داشت که مضامین پایه و سازماندهنده توسعه انسانی عبارتند از: اخلاق حرفه‌ای، تفویض اختیار، اطلاعات مشاور، صلاحیت‌ها حرفه‌ای، منابع انسانی، اشتغال، اطلاعات بازار کار، همکاری، انسان محوری، آگاهی دهی و مسئولیت‌های اجتماعی.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تعامل کارکردی آموزش عالی با جامعه محلی در قالب هشت مؤلفه کلیدی شامل: مؤلفه‌های پژوهشی، اجتماعی، مشارکتی، انسانی، زیست‌محیطی، اخلاقی، پیامدی و کارکردهای آموزشی-اجتماعی آموزش عالی قابل تبیین است. این دسته‌بندی مؤید آن است که تعامل مؤثر میان دانشگاه و جامعه نیازمند رویکردی جامع‌نگر است که تنها محدود به جنبه‌های علمی یا پژوهشی نبوده، بلکه باید سایر ابعاد توسعه‌ای، اخلاقی و زیست‌محیطی را نیز در بر گیرد. این یافته‌ها با مطالعات پیشین در زمینه مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و مأموریت‌های نوین آموزش عالی مطابقت دارد (Cantor, 2020; Caputo et al., 2021; Vasilescu et al., 2010). در سطح مؤلفه‌های پژوهشی، کدهایی نظیر مشارکت دانشگاهیان، عدالت پژوهشی، تخصص‌محوری، تنوع و کیفیت پژوهش، توسعه دانشگاهی و رشد شرایط رقابتی از سوی خبرگان به‌عنوان عوامل کلیدی در تعامل با جامعه محلی شناخته شدند. این یافته با مطالعاتی که به نقش پژوهش‌های مسئله‌محور در توسعه منطقه‌ای و بهبود کیفیت ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه تأکید داشته‌اند همخوانی دارد (Alizadeh Fallah et al., 2023; Pakzad Bonab et al., 2024; Pouranjanar et al., 2021). به‌ویژه، پژوهش

(Adriansen et al., 2025) با تحلیل گفتمانی راهبردهای دانشگاه‌های اروپایی، نشان داد که افزایش کیفیت ارتباطات و ارتقاء تحقیقات می‌تواند در راستای بین‌المللی‌سازی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی مؤثر باشد.

در مؤلفه اجتماعی، مواردی همچون جذب استعداد، توسعه انسانی، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، تمرکززدایی و نوآوری از اهمیت بالایی برخوردار بودند. این مؤلفه با یافته‌های مطالعات (Sogovara & Fitjar, 2023) همراستا است که به نقش دانشگاه در تقویت ظرفیت‌های عملکردی جامعه محلی و ایجاد ارتباط میان فرآیندهای اجتماعی متحول‌کننده با توسعه پایدار اشاره داشته‌اند. همچنین، از دیدگاه (Muhammad Ali et al., 2020)، دانشگاه زمانی می‌تواند به‌طور مؤثر در جامعه ایفای نقش کند که با سازوکارهای انعطاف‌پذیر و مشارکتی به مسائل محلی ورود کند.

مؤلفه مشارکتی نیز نقش ویژه‌ای در این تحلیل ایفا می‌کند. کدهایی همچون پیوند دانشگاه و صنعت، برنامه‌ریزی مشارکتی، تقویت هیأت اماناء و اصلاح کارکردهای دانشگاهی در این دسته قرار گرفتند. این یافته با چارچوب‌های ارائه‌شده در پژوهش‌های (Capaldo et al., 2016; fatehrad, 2015; Kirchberger & Pohl, 2016) همخوان است که بر موفقیت تعاملات دانشگاه-صنعت بر مبنای سازوکارهای رسمی، چارچوب‌های مدیریتی شفاف، و طراحی مدل‌های مشارکت مؤثر تأکید دارند.

در بُعد انسانی، مفاهیمی چون اطلاعات بازار کار، انسان‌محوری، اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی اهمیت ویژه‌ای داشتند. یافته‌های حاضر نشان داد که دانشگاه‌هایی که به نیازهای بازار کار و توسعه مهارت‌های دانشجویان توجه دارند، تعامل اثربخش‌تری با جامعه ایجاد می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش (Mobad & Nadi, 2022; Zadeh Ardakani, 2022) و (Moradnezahadi, 2023) همراستا است که بر اهمیت توسعه منابع انسانی به عنوان عامل پیوند دانشگاه و جامعه تأکید دارند.

همچنین مؤلفه زیست‌محیطی با مواردی همچون توسعه پایدار، آموزش‌های زیست‌محیطی، بکارگیری فناوری سبز و آگاهی زیست‌محیطی در نتایج پژوهش نمایان شد. این مؤلفه با رویکردهای اخیر در اسناد سیاست‌گذاری آموزش عالی که تأکید بر طراحی محیط‌های آموزشی با رعایت استانداردهای محیط‌زیستی و تعهد به نسل آینده دارد، سازگار است (Amadi & Bayo, 2020; Haalan & ramli, 2020). آموزش عالی باید نقش فعالی در انتقال دانش محیط‌زیستی و تربیت نسل آگاه از منظر اکولوژیکی ایفا کند.

در بُعد اخلاقی، مقولاتی نظیر اخلاق حرفه‌ای، آموزش اصول اخلاقی، تفویض اختیار و توجه به هنجارهای ارزشی از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد. این مقوله با رویکردهای (Zulfiqar et al., 2019) و (Vasilescu et al., 2010) همسو است که بر ایجاد تعامل اخلاق‌محور میان دانشگاه و جامعه تأکید دارند. رعایت اصول اخلاقی در طراحی پروژه‌ها، احترام به دانش بومی و اولویت دادن به عدالت اجتماعی در این تعاملات، از پیش‌شرط‌های اصلی موفقیت دانشگاه‌ها در ایفای نقش محلی خود است.

مؤلفه پیامدی شامل عدالت‌محوری، ایجاد فرصت‌های برابر، ارتقاء بهره‌وری و توزیع عادلانه منابع بود که نمایانگر انتظارات کلان جامعه از عملکرد اجتماعی آموزش عالی است. این یافته‌ها با تحلیل‌های انتقادی (Adriansen et al., 2025) و (Shahsavari & Alamolhoda, 2025) سازگار است که معتقدند دانشگاه بدون پاسخ‌گویی به پیامدهای اجتماعی و بدون بازاندیشی در مأموریت‌های خود نمی‌تواند در تحقق عدالت اجتماعی مشارکت مؤثری داشته باشد.

در نهایت، مؤلفه "کارکرد آموزش عالی در جامعه" که دربرگیرنده آموزش مهارت‌محور، پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت، ارتقاء اجتماعی، انطباق رشته‌ها با بازار کار و کاربردی‌سازی دانش است، هسته اصلی تعامل دانشگاه با جامعه را شکل می‌دهد. این مؤلفه با یافته‌های (Adriansen et al., 2025; Baradaran Hagheer & Nourshahi, 2019; Radinger-Peer & Pflitsch, 2017) همراستا است که بر کاربردی بودن و جهت‌دار بودن محتوای آموزش عالی در راستای نیازهای منطقه‌ای تأکید دارند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نه تنها همراستا با چارچوب نظری تعامل دانشگاه و جامعه هستند، بلکه با مرور نظام‌مند مطالعات پیشین، یک مدل مفهومی بومی برای ارتقاء این تعامل در سطح استانی (کرمان) پیشنهاد می‌کند که می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی سیاستی و اصلاح نظام حکمرانی آموزش عالی قرار گیرد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تمرکز آن بر استان کرمان اشاره کرد که ممکن است ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و ساختاری خاص آن قابل تعمیم به سایر استان‌های کشور نباشد. همچنین، روش کیفی و تحلیل مضمون در کنار مزایای تعمق، ممکن است دقت عددی و قابلیت سنجش کمی را کاهش دهد. محدودیت دیگر، اتکای پژوهش به مصاحبه با ۲۵ نفر از خبرگان است که اگرچه از نظر اشباع نظری کافی تلقی شده، اما نمی‌تواند تمامی دیدگاه‌های ممکن را دربر گیرد. همچنین به‌دلیل گستردگی مفهومی موضوع، ممکن است برخی عوامل فرعی مغفول مانده باشند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، مدل مفهومی به‌دست‌آمده از این پژوهش را در سایر استان‌ها و مناطق مختلف ایران با ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی متفاوت مورد آزمون قرار دهند. همچنین انجام پژوهش‌های ترکیبی با استفاده از روش‌های کمی در کنار کیفی می‌تواند به اعتبارسنجی بیشتر نتایج منجر شود. در ضمن بررسی اثر تعاملات دانشگاه-جامعه در حوزه‌های خاص مانند آموزش فنی و حرفه‌ای، توسعه کشاورزی، یا کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به تعمیم‌پذیری مدل کمک کند. استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی برای تحلیل نوع و شدت روابط نهادی میان دانشگاه و نهادهای محلی نیز پیشنهاد می‌شود.

بر اساس نتایج پژوهش، توصیه می‌شود که دانشگاه‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی خود، به تحلیل نیازهای محلی و مشارکت ذینفعان منطقه‌ای توجه ویژه‌ای داشته باشند. طراحی نظام انگیزشی برای اساتید در راستای پژوهش‌های مسئله‌محور محلی، تقویت ارتباط نهادهای استانی با دانشگاه‌ها، و بازطراحی سیاست‌های پذیرش دانشجو بر اساس مزیت‌های بومی از دیگر اقدامات پیشنهادی است. همچنین ایجاد دفاتر مسئولیت اجتماعی دانشگاه در هر استان، با مأموریت تعامل مؤثر با جامعه، می‌تواند بستری برای نهادینه‌سازی ارتباط مستمر و اثربخش با جامعه محلی فراهم آورد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

In recent decades, higher education systems around the world have undergone significant transformation, driven by increasing demands for social accountability, regional development, and sustainability. Universities are no longer isolated academic entities; they are active players in social, cultural, and economic development processes within their local communities. The increasing emphasis on university–community engagement highlights the growing recognition that higher education institutions (HEIs) must expand their mission beyond teaching and research to include proactive involvement in solving societal problems and enhancing local capacities (Cantor, 2020; Muhammad Ali et al., 2020). This shift aligns with the



global discourse on University Social Responsibility (USR), which calls for an institutional commitment to the public good (Caputo et al., 2021; Vasilescu et al., 2010).

In Iran, however, the expansion of higher education has predominantly focused on quantitative growth, with little attention to regional equity, spatial planning, or alignment with local needs. As such, a growing disconnect has emerged between the functions of higher education and the expectations of local communities (Moradnezehadi, 2023; Shahsavari & Alamolhoda, 2025). Spatial planning of higher education—referred to as higher education territorial planning—has emerged as a response to this disconnect. This approach promotes a balanced and strategic distribution of educational institutions and activities across geographical regions, based on regional characteristics, socio-economic needs, and resource availability (Adriansen et al., 2025; Radinger-Peer & Pflitsch, 2017).

Spatial planning in higher education is fundamentally about integrating academic functions into regional development strategies and ensuring the equitable access of diverse communities to educational opportunities and services. It also emphasizes environmental stewardship, sustainable infrastructure, and alignment with the labor market (Alizadeh Fallah et al., 2023; Amadi & Bayo, 2020). This alignment is crucial for reducing graduate unemployment, enhancing skill relevance, and fostering innovation and entrepreneurship at the local level (Kang et al., 2019; Pouya & Bagheri, 2023).

Despite policy efforts and national initiatives, universities in many Iranian provinces—such as Kerman—still face significant challenges in establishing effective, systemic, and mutually beneficial interactions with their local communities. These challenges include institutional centralization, misaligned curricula, lack of autonomy in regional decision-making, and weak governance structures (Mahmoudi & Gol Mohammadi, 2022; Zamandi et al., 2022). In addition, cultural, economic, and political barriers often hinder genuine collaboration and participation from both academic and community stakeholders (Mobad & Nadi Zadeh Ardakani, 2022; Seyyed Naqavi et al., 2019).

Previous studies have emphasized that successful university–community partnerships require trust, shared goals, ethical frameworks, and reciprocal knowledge exchange (Ferrerias-Garcia et al., 2021; Zulfiqar et al., 2019). They also highlight the importance of inclusive and participatory planning processes that prioritize the voices and concerns of marginalized and underserved communities (fatehrad, 2015; Mahmoudi & Gol Mohammadi, 2022). Recognizing these imperatives, the current study aims to identify and categorize the key factors that influence the functional interaction between higher education institutions and local communities in Kerman Province from the perspective of spatial planning.

Methods and Materials

This research employed a qualitative methodology based on meta-synthesis and thematic analysis. Data collection was conducted using documentary analysis and semi-structured interviews. The study first performed a meta-synthesis of relevant literature using databases such as MAGIRAN, Irandoc, CIVILICA, SID, Normags, and international repositories like ScienceDirect, Taylor & Francis, Springer, ProQuest, and DOAJ, covering publications from 2000 to 2024. A total of 322 initial articles were identified and narrowed down to 77 after applying exclusion criteria.

The thematic analysis involved coding and categorizing the data into core themes and subthemes using MAXQDA software. Additionally, interviews were conducted with 25 academic experts who had prior experience in university–industry–society linkages. Theoretical saturation guided the sample size determination. The reliability and validity of the codes were verified through peer review, respondent validation, and comparative analysis with previous studies. Finally, axial coding grouped the

findings into eight main dimensions representing research, social, participatory, human, environmental, ethical, outcome-related, and higher education functional themes.

Findings

The results of the meta-synthesis and thematic analysis identified a comprehensive set of factors influencing university–community interaction. These factors were organized into eight main categories:

1. **Research Dimension** – including themes such as faculty participation, research justice, specialization, diversity of research, and improvement of research quality and competitiveness.
2. **Social Dimension** – comprising talent attraction, human development, innovation, decentralization, policy considerations, regulatory frameworks, and responsiveness to societal needs.
3. **Participatory Dimension** – encompassing university–industry links, collaborative planning, investment, empowerment of university boards of trustees, and restructuring university functions.
4. **Human Dimension** – involving job market information, employability, skill development, social responsibility, and equity in opportunity.
5. **Environmental Dimension** – focused on sustainable development, environmental education, use of green technologies, and ecological awareness.
6. **Ethical Dimension** – highlighting professional ethics, value-based education, delegation of authority, and normative commitments.
7. **Outcome Dimension** – related to distributive justice, productivity improvement, equitable resource allocation, and mutual benefit realization.
8. **Higher Education Functional Dimension** – including promotion of knowledge, training of specialized human capital, responsiveness to industry needs, applied learning, and alignment of curricula with labor market demands.

Altogether, 51 core codes were identified and validated through expert feedback and document triangulation. These codes were distilled from both literature and qualitative interviews and reflect the multifaceted nature of university–community relations in the regional development context.

Discussion and Conclusion

The findings of this study emphasize the necessity of adopting a holistic and territorially informed perspective in planning the roles and responsibilities of higher education institutions. Rather than viewing universities solely as knowledge producers, this research repositions them as dynamic regional actors with responsibilities that span the social, ethical, environmental, and economic domains. The identified factors underscore that successful university–community partnerships cannot be confined to top-down policies or sporadic collaborations. Instead, they require intentional, sustained, and structured engagement that is co-created with local communities and rooted in regional realities.

The research dimension, for instance, highlights the value of inclusive, participatory, and socially relevant research agendas that go beyond academic publishing and address real-world problems. Similarly, the human and social dimensions show that aligning education with local labor market demands and fostering talent pipelines adapted to regional contexts can enhance both employability and societal satisfaction. The participatory and ethical dimensions reinforce the importance of transparency, mutual trust, and equitable participation in all forms of university engagement. This echoes the broader principles of university social responsibility and aligns with contemporary global expectations for HEIs.



The environmental and outcome dimensions offer a future-oriented outlook on the need for universities to lead sustainability efforts and ensure that the benefits of academic work are equitably distributed. Universities that succeed in embedding ethical values, environmental stewardship, and outcome-based accountability into their operational frameworks are more likely to become trusted and valued partners in local development.

In the specific context of Kerman Province, these findings provide valuable insights for policymakers, university administrators, and community leaders who aim to foster a more integrated and context-sensitive model of higher education. They also serve as a foundational step toward institutionalizing spatial planning in the Iranian higher education system. By rethinking governance, decentralizing authority, and redesigning curricula based on local capacities and needs, universities can better fulfill their development missions.

References

- Adriansen, H. K., Madsen, L. M., Saarinen, T., & Waters, J. (2025). Exploring the peculiar relationship between higher education quality and internationalization: a discourse analytical and spatial reading of four European university strategies. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, 1-15. <https://doi.org/10.1080/20020317.2025.2462061>
- Albert-Lórinçz, E., Paulik, E., Szabo, B., Foley, K., & Gasparik, A. I. (2019). Adolescent smoking and the social capital of local communities in three counties in Romania. *Gaceta sanitaria*, 33(6), 547-553.
- Alizadeh Fallah, S., Majdi, F., Ayatollahi Lora, M., & Rajabi, F. (2023). A Detailed Study on Improving the Quality of Technical Education Based on Industry-University Interaction. 8th National Conference on Modern Approaches in Education and Research, Mahmoudabad. Online Resource
- Amadi, R., & Bayo, P. (2020). Comparative Study of the Corporate Social Responsibility of Rivers State University and University of Port Harcourt, Nigeria. *NIU Journal of Social Sciences*, 6(1), 113-121.
- Baradaran Hagheer, M., & Nourshahi, N. R. A. (2019). Conceptualizing University Social Responsibility in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*.
- Cantor, N. (2020). Transforming the Academy: The Urgency of Recommitting Higher Education to the Public Good. *Liberal Education*, 106(1), 48-55.
- Capaldo, G., Costantino, N., Pellegrino, R., & Rippa, P. (2016). Factors affecting the diffusion and success of collaborative interactions between university and industry: The case of research services. *Journal of Science and Technology Policy Management*, 7(3), 273-288. <https://doi.org/10.1108/JSTPM-12-2015-0038>
- Caputo, F., Ligorio, L., & Pizzi, S. (2021). The contribution of higher education institutions to the SDGs-an evaluation of sustainability reporting practices. *Adm. Sci.*, 11(3), 97. <https://doi.org/10.3390/admsci11030097>
- fatehrad, k. (2015). A framework to improve university-industry collaboration. *Journal of Industry-University Collaboration*.
- Ferreras-Garcia, R., Sales-Zaguirre, J., & Serradell-Lopez, E. (2021). Competency assessment and learning results in tourism internships: is gender a relevant factor? *Higher Educ. Skills Work-Based Learn.* VL - 12(1), 162-177. <https://doi.org/10.1108/HESWBL-05-2021-0096>
- Haalan, d., & ramli, D. (2020). University Social Responsibility and Community Relations. *Asian Journal of Education and Social Studies*, 9(4), 47-58. <https://doi.org/10.9734/ajess/2020/v9i430255>
- Kang, J., Lee, J., Jang, D., & Park, S. (2019). A Methodology of Partner Selection for Sustainable Industry-University Cooperation Based on LDA Topic Model. *Sustainability*, 11(12), 3478. <https://doi.org/10.3390/su11123478>
- Kirchberger, M. A., & Pohl, L. (2016). Technology commercialization: a literature review of success factors and antecedents across different contexts. *The Journal of Technology Transfer*, 41(5), 1077-1112. <https://doi.org/10.1007/s10961-016-9486-3>
- Kowsari, S. A. H. (2023). Identification and Analysis of Delegable Functions in the Higher Education System Based on Spatial Policies. *Scientific-Research Quarterly of Cultural StrategyER*.
- Mahmoudi, M. T., & Gol Mohammadi, F. (2022). Ranking Barriers to University-Industry Relations from the Perspective of Faculty Members at Islamic Azad University, Shahrekord Branch. *Management and Accounting Studies Quarterly*, 8IS - 4, 34-55.
- Mahmoudian, O., Heydari, A., Hashemi, M., & Mehrkam, M. (2022). Developing a Strategic Model for Analyzing Factors Influencing Industry-University Relations (Case Study: Islamic Azad University Branches in Tehran). *Culture in Islamic Universities*, 12(42), 187-204.
- Mobad, M., & Nadi Zadeh Ardakani, A. (2022). Review of Effective University-Society Interaction Indicators Based on University Social Responsibility Models. *Science and Technology Policy Journal*, 12(1), 99-112. <https://doi.org/10.37467/revtechno.v11.4482>
- Moradnezahdi, H. (2023). Exploring Strategies to Improve University-Industry and Society Relations at Ilam University. *Quarterly Journal of Innovation Ecosystem*, 3(2), 46-88.
- Mousavi, T., Khosravi, M., & Nemati, M. A. (2019). University Studies: A New Approach to Developing University-Industry Relations. *Biannual Journal of Industry and University*, 7(25).
- Muhammad Ali, I., Mustapha, S., & Osman, U. H. (2020). University social responsibility: A review of conceptual evolution and its thematic analysis. *Journal of Cleaner Production*, 286, 124931. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.124931>



- Pakzad Bonab, M., Ehtesham Nejad, E., Mohseni Kiasari, M., & Nikroui, Z. (2024). Comprehensive Framework for Analyzing Industry-University Collaboration. *Journal of Technology in Entrepreneurship and Strategic Management*, 3(1), 34-55. <https://doi.org/10.61838/kman.jtesm.3.1.1>
- Pouranjanar, G., Salarzehi, H., Tabavar, A. A., & Yaghubi, N. (2021). University Experts' Perspectives on University-Society Interaction. *Iranian Higher Education*, 13(4), 1-24ER -.
- Pouya, A., & Bagheri, R. (2023). Proposing a Budget Policy Model for University-Society Interaction Programs Using System Dynamics Approach (Case Study: Ferdowsi University of Mashhad). *Industrial Management Perspective*, 13(1), 9-40.
- Radinger-Peer, V., & Pflitsch, G. (2017). The Role of Higher Education Institutions in Regional Transition Paths Towards Sustainability. *Review of Regional Research*, 37(2), 161-187.
- Salimi, L., & Kabiri Nasab, H. (2022). Exploring Social Responsibility Components in Higher Education in Iran. *New Ideas in Education*, 5(11), 45-55.
- Seyyed Naqavi, M. A., Pour Behrouzan, A., & Seraji, R. (2019). Identifying Causes of Weak University-Industry Relations and Proposing Improvement Strategies. *Majles and Strategy Journal*, 26(99).
- Shahsavari, A., & Alamolhoda, J. (2025). When the university desires, but society refuses: a case study of universities' missions in the context of contribution to development. *Studies in Higher Education*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/03075079.2025.2461270>
- Sogovara, P., & Fitjar, R. D. (2023). Contextualizing the role of universities to regional development: Introduction to the special issue. *Regional Studies, Regional Science*, 6(1), 331-338. <https://doi.org/10.1080/21681376.2019.1601593>
- Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M., & Baicu, C. (2010). Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 4177-4182. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.660>
- Wood, E. W. (2024). University social responsibility: a student base analysis in Brazil. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 13, 151-169. <https://doi.org/10.1007/s12208-016-0158-7>
- Zamandi, A. A., Hassani, M., & Qalavandi, H. (2022). Interpretive-Structural Modeling of University Social Responsibility Components to Enhance Social Capital (Case Study: Shahid Beheshti University). *Scientific Journal of Social Capital Management*, 9(4), 461-491.
- Zulfiqar, S., Sadaf, R., Popp, J., Vveinhardt, J., & Máté, D. (2019). An Examination of Corporate Social Responsibility and Employee Behavior: The Case of Pakistan. *Sustainability*, 11(13), 3515. <https://doi.org/10.3390/su11133515>

